

## تطبیق نظریه کارزماتیک وبر با شخصیت شهید سید اسدالله مدنی و شهید قاسم سلیمانی؛ شباهت‌ها و تفاوت‌ها

سید محمد کاظم حجازی<sup>\*۱</sup>

پیمان باقری تلواژگانی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** یکی از نظریه‌های حوزه جامعه‌شناختی، نظریه اقتدار کارزماتیک ماکس وبر می‌باشد. پژوهش حاضر در نظر دارد که فعالیت‌ها و اقدامات شهیدان آیت‌الله مدنی و سرلشگر سلیمانی را بر اساس نظریه کارزماتیک وبر بررسی نماید. بدین ترتیب مسئله اصلی این پژوهش، پاسخ‌گویی به این سؤال است که تا چه میزان نظریه کارزماتیک وبر با شخصیت شهیدمدنی و شهیدسلیمانی قابل انطباق است؟ و در چه حوزه‌هایی بین این نظریه و دو شخصیت مذکور شباهت و تفاوت وجود دارد و دلایل آن در چیست؟

**روش‌شناسی پژوهش:** روش پژوهش این مقاله با توجه به رویکرد جامعه‌شناختی آن، از نوع توصیف و تحلیل داده‌ها تطبیقی - مقایسه‌ای، در چارچوب نظریه کارزماتیک و شناسایی ابعاد شخصیت فردی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی شهیدمدنی و شهیدسلیمانی در قالب این نظریه می‌باشد.

**یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو شخص معتقد به باورهای مذهبی، انقلابی و ملزم به رعایت امر ولی فقیه زمان خویش بودند و با تمام وجود در خدمت انقلاب حضور داشتند و به یک مکتب برای انقلاب اسلامی تبدیل شدند. همچنین آنها جایگاه غیرقابل وصفی در میان طرفداران و پیروان خویش یافتند. هیچ‌کدام درصدد گسترش عقیده‌ای منسوخ در جامعه نبودند. همچنین عدم حضور آنها منجر به سقوط حکومت نگردید، بلکه باعث تثبیت هر چه بیشتر آن شد.

**نتیجه‌گیری:** بررسی شخصیت این دو شهید با نظریه وبر نشان می‌دهد که در کنار وجود بعضی شباهت‌ها و ویژگی‌های میان زندگی دو شهید با نظریه، تفاوت‌های محسوسی نیز با آن وجود دارد و این مسئله بیانگر این موضوع می‌باشد که نظریه‌های غربی تطابق چندانی با جوامع دیگر به خصوص شخصیت‌های انقلاب اسلامی ندارند.

**کلیدواژه‌ها:** نظریه کارزماتیک وبر، شهیدمدنی، شهیدسلیمانی.

**Email:** Smk.hejazi@gmail.com

۱- استادیار و هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران، دکترای

تاریخ انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)

**Email:** Peymanbagheri065@gmail.com

۲- دانشجوی دکترای تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی

سینا همدان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

## مقدمه

از یک منظر، بسیاری از شخصیت‌های تاریخی با ویژگی‌های نظریه‌فره‌مندانه و بر قابل انطباق هستند. به همین دلیل پژوهشگران زیادی درصدد بررسی این نظریه با شخصیت‌های گوناگون برآمدند و از این رهگذر تحقیقات زیادی صورت گرفته است. یکی از حوزه‌هایی که بسیار مورد توجه محققان خارجی و داخلی قرار دارد، شخصیت‌ها و افراد مؤثر در انقلاب اسلامی ایران، از جمله شهیدمدنی و شهید حاج قاسم سلیمانی می‌باشد. برخی از ویژگی‌های شخصیتی این دو شهید با شاخص‌های ارائه شده ماکس وبر<sup>۱</sup>، به‌عنوان ویژگی‌های یک رهبر کارزماتیک منطبق است و این پژوهش سعی دارد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های این نظریه را با شخصیت آنها بررسی و تحلیل نماید. دلایل مختلفی برای انتخاب این دو شهید وجود دارد. از جمله این که هر دو در مقاطع حساسی از تاریخ انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند و با شهادت شهیدمدنی و شهید سلیمانی اوضاع آشفته مناطق تحت نفوذ هر یک از آنها به ترتیب -تبریز و عراق-، به آرامش رسید. هر دو پس از شهادت، به مکتبی برای انقلاب اسلامی و پیروانشان تبدیل شدند. از این رو انتخاب این دو شخصیت و تطبیق آن با نظریه وبر از لحاظ تاریخی، اجتماعی و سیاسی بسیار مهم می‌باشد. هم‌چنین تاکنون چنین مقایسه‌ای بین شخصیت‌های انقلابی صورت نگرفته است.

## روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع توصیف و تحلیل داده‌ها تطبیقی -مقایسه‌ای (Comparitive Studies) است. البته نه به مفهوم کلان اجتماعی، که هدف آن بررسی جوامع و تحولات آن است. بلکه رویکرد تطبیقی مبتنی بر مقایسه برای فهم مشابهت‌ها و تفاوت‌های ابعاد شخصیتی و آزمون آن در نظریه کارزماتیک وبر خواهد بود. برای گردآوری اطلاعات نیز از روش اسنادی استفاده شده است. روش اسنادی به کلیه متدهایی گفته می‌شود که در آنها هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون برآورده می‌شود (شیری و دیگران، ۲۰۱۲: ۸۰).

## اهمیت و ضرورت

شناسایی ابعاد شخصیت‌های انقلابی چون شهیدمدنی و شهیدسلیمانی، برای همه طیف‌های مردمی و سیاسی جامعه اسلامی ایران جزء موارد مهم و ضروری است. ارائه یک مدل شخصیتی از شهدای انقلاب می‌تواند به‌عنوان الگویی برای شخصیت‌های مختلف ایران اسلامی قلمداد شود. اساساً چرایی و چگونگی شکل‌گیری چنین شخصیت‌هایی بسیار مهم می‌باشد.

## در خصوص پیشینه پژوهش

بسیاری از نظریه‌پردازان و محققان، وضعیت ایران را تحت عنوان جنبش‌های کارزماتیک بررسی کرده‌اند. آنها در تحلیل شیوه رهبری امام‌خمینی(ره) و قدرت بسیج ایشان، به شخصیت کارزماتیک و ویژگی‌های

---

1. Max Weber

خاص ایشان اشاره کرده‌اند. هر چند برخی از پیش شرطها و پدیده‌هایی که این نویسندگان بیان می‌کنند، با انقلاب ایران شباهت‌هایی دارد؛ اما در مورد توصیف جنبش مذهبی ایران به‌عنوان جنبشی کاریزماتیک، تردیدهایی وجود دارد (چریل بنارد و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۰۸). مقاله اقتدار کاریزمایی حضرت محمد(ص)، مجله علوم سیاسی، نوشته حمید دهباشی، ترجمه: هدایت یوسفی، سال ۱۳۸۱، شماره ۱۹؛ مقاله آیا تحلیل شیوه رهبری امام خمینی(ره) بر اساس تئوری شخصیت کاریزماتیک وبر صحیح است؟ از مهدی ابوطالبی مجله معارف بهمن ۱۳۸۷- شماره ۶۳؛ مقاله نشانه‌شناسی و نمادشناسی شخصیت شهیدسلیمانی از ندا رفیعی طاری و محیا عبدیان مجله مطالعات دینی رسانه (۱۳۹۹) دوره ۲-۵-۶؛ مطالعات روح‌الله اژدری نیز در روزنامه وطن امروز، با نوشتاری با‌عنوان فرمانده کاریزمای ربانی (۱۳۹۹) به ابعاد شخصیتی حاج‌قاسم پرداخته است. اما به‌نظر می‌رسد که شخصیت شهیدمدنی با نظریه اقتدار کاریزما وبر مورد پژوهش قرار نگرفته است و همچنین تحقیق تطبیقی شهیدمدنی و شهیدسلیمانی با این نظریه صورت نگرفته است.

### نظریه کاریزماتیک وبر

اصطلاح یونانی «کاریزما» از نام‌های سنت‌پل<sup>۱</sup> به جوامع مسیحی قرن اول میلادی گرفته شده است. وی به یک «هدیه» با منشاء الهی اشاره داشت که اقتدار خدا را در رهبران اولیه کلیسا نشان می‌داد. ماکس وبر پس از در نظر گرفتن مفهوم الهیاتی، آن را تعمیم و به‌عنوان چیزی که پیروان نسبت می‌دهند؛ در نظر گرفت. در نتیجه جامعه‌شناسان از این اصطلاح در زمینه بررسی شخصیت افراد مشهور در حوزه‌های مذهبی، سیاسی، نظامی، استفاده‌های فراوانی کردند. پس از مدتی اصطلاحات دیگر نظیر سلطه کاریزماتیک و رهبری کاریزماتیک نیز متداول شد (پل، ۲۰۱۴: ۲۶۶-۲۸۳).

واژه کاریزما به ویژگی خاصی از شخصیت فرد اشاره دارد که او را از افراد معمولی متمایز می‌گرداند. بر این اساس، وی دارای قدرت مافوق طبیعی، انسانی و استثنایی است (وبر، ۲۰۰۵: ۴۵۴). ماکس وبر در کنار تقسیم‌بندی انواع کنش‌ها، به بخش‌بندی انواع اقتدار و سلطه می‌پردازد. او از سه نوع اقتدار هم‌طراز و سه نوع کنش نام می‌برد. اول، اقتدار عقلانی و بوروکراتیک. این نوع از اقتدار در جامعه‌ای شکل نهاده به خود می‌گیرد که رفتارهای عقلانی معطوف به هدف در آن گسترش یافته باشد. دوم، اقتدار کاریزماتیک و فرهمندانه؛ که از کنش عاطفی جامعه نسبت به یک فرد خاص پدید می‌آید. در مرکز این اقتدار، شخصی در موضع یک قهرمان و یا فرد مقدس قرار می‌گیرد. سلطه فرهمندانه امری خارق‌عادت می‌باشد و همراهی جامعه با آن، به شخصیت استثنایی رهبر باز می‌گردد. سوم، اقتدار سنتی است. در اقتدار سنتی، کنش‌های مبتنی بر عادات و رسوم نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

به نظر وبر، انتخاب اصلی ارزش‌ها به تصمیم و دل‌بستگی عاطفی افراد باز می‌گردد. او میزان و معیاری که امتیازی حقیقی بین گزینش خدا با شیطان باشد را قبول ندارد. از نظر وبر اقتداری که براساس یک

1. St Paul

انگیزش و تصمیم عاطفی شکل می‌گیرد، چیزی فراتر از آنچه که اقتدار کارزماتیک می‌نامد نیست. به نظر وی «عقلانیت می‌تواند نیروی انقلابی درجه یکی بر ضد سنت باشد و اغلب هم‌چنین بوده است» (وبر، ۱۹۷۲: ۶۵۷). نیروی عقلانیت نخست موجب تغییر محیط اجتماعی و سپس دگرگونی جهان‌بینی مردم می‌گردد. کاریزما برعکس عقلانیت که نخست نظامات و روش‌ها را دگرگون می‌کند؛ در وهله اول، زندگی درونی فرد را متحول می‌سازد. به این معنا کاریزما نیروی منحصربه‌فردی در تاریخ به‌شمار می‌رود.

وبر به کلمه کاریزما، معنایی غیرمذهبی نیز افزود. به گفته او «اصطلاح کاریزما در مورد نوع خاصی از شخصیت فردی به کار برده خواهد شد که به موجب آن از انسان‌های معمولی متمایز می‌شود و دارای قدرت‌ها یا ویژگی‌های مافوق طبیعی، انسانی و یا حداقل استثنائی و نادری تلقی می‌شود» (وبر، ۱۹۶۴: ۳۵-۳۵۸). وبر انواع گوناگونی از شخصیت‌های کاریزمائی مانند پیامبران، منجیان، قهرمانان و سلحشوران را نام می‌برد. بدون پیروی دلبخواهانه و آزاد پیروان از رهبر کاریزمائی، کاریزمائی وجود نخواهد داشت (جنی، بی‌تا: ۲۹۵). از این‌رو کاریزما رابطه‌ای درونی میان پیرو و رهبر است و رهبری کاریزمائی تنها به‌صورت جنبش کاریزمائی آشکار می‌شود: «رهبر کاریزمائی تنها رهبری نیست که به خاطر ویژگی‌های خارق‌العاده‌اش مورد ستایش بی‌حد بوده و آزادانه مورد اطاعت قرار گیرد، بلکه کسی است که چنین ویژگی‌هایی را در فراگرد دعوت مردم برای پیوستن به جنبش جهت تغییر و رهبری این جنبش آشکار می‌کند» (تاکر، ۱۹۶۸: ۷۳۷).

وبر می‌گوید: «از نظر روانشناختی این «شناسایی» امری است؛ مربوط به وفاداری کاملاً شخصی پیرو نسبت به دارنده ویژگی کاریزمائی و ناشی از شوق، امید و یا ناامیدی است» (وبر، ۱۹۶۴: ۳۵۹). اقتدار کاریزمائی خارج از ساخت‌های مستقر و سلسله مراتب آمریت و ملاحظات عقلانیت قرار دارد و خود متضمن ابداع و انقلابی و پیامبرگونه است. تحول اجتماعی در تاریخ، محصول فوران کاریزماست.

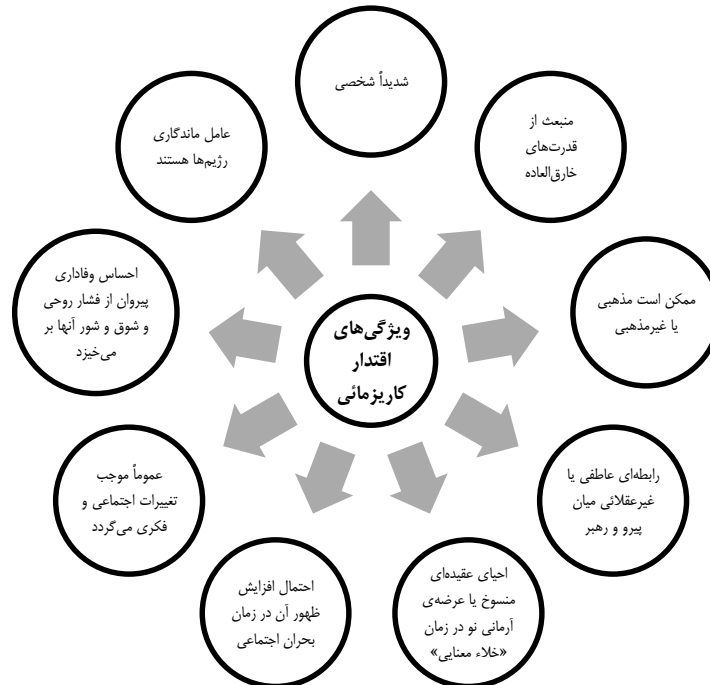
برعکس اقتدار سنتی و قانونی، اقتدار کاریزمائی براساس روابط «غیرعقلانی» و عاطفی قرار دارد. سرسپردگی پیروان به رهبر کاریزمائی مبتنی بر رفتار عاطفی است. در اقتدار کاریزمائی رسالتی وجود دارد که براساس آن «مخاطبین شخصیت کاریزمائی وظیفه دارند که او را به‌عنوان رهبر کاریزمائی خود بپذیرند» (Gerth and Wright – Mills, bita: 246). پیدایش کاریزما موجب تغییر مسیر عادی زندگی سیاسی می‌شود. رهبر کاریزمائی مریدانی به گرد خود جمع می‌آورد و سپس نظام و قدرت مستقر را به زیر سؤال می‌کشد و معنای جدیدی از امور عرضه می‌دارد. کار رهبر کاریزمائی ترغیب و تهییج ابعاد غیرعقلانی یا عاطفی ذهن مردم است و او باید برای حفظ رابطه خود با پیروان همواره پویا، فعال باشد و هر لحظه احتمال خطر را احساس کند. از این‌رو کاریزما نیازمند جنبش دائمی است. «اقتدار کاریزمائی در چهارچوب ادعاهای خود، گذشته را نفی می‌کند و به این معنی نیرویی به‌ویژه انقلابی است» (همان: ۲۴۵). این اقتدار «در دوره‌های فشار و اضطراب روانی، فیزیکی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی پیدا می‌شود» (همان: ۲۵۰).

بنابراین جنبش‌های اجتماعی متشکل از گروه‌هایی از مردم هستند که در زمینه‌ای از نارضایتی نسبت به محیط اجتماعی مستقر، به‌نحوی به نظام عقیدتی واحدی اعتقاد پیدا می‌کنند و براساس آن اعتقاد، به‌صورت جمعی عمل می‌کنند و به‌وسیله پیام اجتماعی خود جامعه را بسیج می‌نمایند. البته همه سلطه‌های کاریزمائی

انقلابی نبوده و همه انقلاب‌ها کاریزمائی نیستند. اما نکته اصلی بحث وبر این است که مکانیسم اصلی جنبش‌های اجتماعی، خواه انقلابی یا غیرانقلابی، پیدایش نظام عقیدتی و رهبری کاریزمائی است.

بر روی هم اقتدار کاریزمائی دارای این ویژگی‌ها می‌باشد:

۱. شدیداً شخصی است؛
۲. منبعث از قدرت‌های خارق‌العاده دانسته می‌شود؛
۳. ممکن است مذهبی یا غیرمذهبی باشد؛
۴. رابطه‌ای عاطفی یا غیرعقلانی میان پیرو و رهبر وجود دارد؛
۵. در زمان بحران اجتماعی، احتمال ظهور آن افزایش می‌یابد. رهبری کاریزمائی در دوره‌های فشار و اضطراب روحی، طبیعی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و سیاسی ظهور می‌کند.
۶. عموماً موجب تغییرات اجتماعی و فکری می‌گردد.
۷. احساس وفاداری پیروان از فشار روحی و شوق و شور آنها برمی‌خیزد و در مقابل، قدرت‌های کاریزمائی ضمانت می‌دهند که چاره‌ای برای فشارهای موجود بیندیشند.
۸. متضمن رسالتی است که ممکن است احیای عقیده‌ای منسوخ یا عرضه آرمانی نو باشد؛ به‌طور کلی از نظر وبر منشاء جنبش‌های کاریزمائی پیدایش «خلاءمعنایی» است که در نتیجه عدم کفایت سنت‌ها و نظام فکری مستقر برای تبیین تحولات نو ایجاد می‌شود و بر حول تعاریف جدیدی که از واقعیت اجتماعی به دست می‌دهند، پیروان را بسیج می‌کنند (بشیریه، ۲۰۱۱: ۱۵۰).
۹. اقتدار کاریزماتیک اغلب عامل ماندگاری رژیم‌ها است. زیرا رهبر، معصوم تلقی می‌شود و هرگونه اقدامی علیه وی به‌عنوان جنایت علیه دولت تلقی می‌شود.
۱۰. در سیاست، حکومت کاریزماتیک غالباً در کشورهای مختلف اقتدارگرا، خودکامه، دیکتاتوری و تئوکراسی یافت می‌شود. برای کمک به حفظ اقتدار کاریزماتیک خود، چنین رژیم‌هایی غالباً فرقه شخصیت گسترده‌ای را ایجاد خواهند کرد.
۱۱. عدم وجود آن رهبر به هر دلیلی می‌تواند منجر به انحلال قدرت مقامات شود. هنگامی که رهبر چنین کشوری فوت یا از مقام خود برکنار می‌شود، رهبر کاریزماتیک جدیدی ظاهر نمی‌شود. چنین رژیمی احتمالاً به زودی سقوط می‌کند، مگر این که به‌طور کامل عادی شده باشد (Jens Beckert, 2006: 53).



### ویژگی‌های اقتدار کاربزمائی در شخصیت شهیدمدنی

شهیدمدنی برخلاف نظریه وبر به دنبال کسب قدرت شخصی برای خویش نبود و تمام فعالیت‌های خود را در راستای انقلاب اسلامی صرف کرد. وی به نظام سیاسی اعتقاد داشت که در رأس آن ولی فقیه قرار داشته باشد و الگوی مطلوب برای جامعه ایرانی از منظر شهیدمدنی، نظام ولایت‌مدار بود (قربی، ۲۰۲۰: ۱۹). ایشان از همان آغاز دوران طلبگی، وجود یک مرکز دینی و سیاسی را برای جهان اسلام لازم می‌دانست و بر این اعتقاد بود که رهبران راستین، هیچ‌زمانی علاقه‌ای به افزایش مقام و ثروت ندارند (همان: ۲۲). به همین دلیل آیت‌الله مدنی با شهامت و شجاعت، مرجعیت امام را مطرح و به نفع ایشان تبلیغ می‌کرد، به حدی که ساواک طی گزارشی اعلام کرد که وی در همدان به نفع (امام) خمینی فعالیت و بیش از یک سوم اهالی همدان را مقلد امام خمینی (ره) کرده است (بسطامی، ۲۰۱۰: ۸۹). شهیدمدنی در این خصوص بیان می‌کند که: «ولایت فقیه حافظ دین ماست، ما تمام دنیا را با یک انگشت رهبر عوض نمی‌کنیم، هر کس در هر مقامی اگر در خط امام نباشد، مسلمانان صبر نخواهند کرد و به حساب‌های آنان خواهند رسید» (سلطانی‌زاده، ۲۰۱۳: ۱۱۱). هم‌چنین ایشان در جایی دیگر بیان می‌کند که: «معلوم است که حکومتی برای ما لازم است. اما باید از خود پرسید که آیا حکومت را طاغوت اداره کند یا یک شخص اسلامی؟... حکومت الله و حکومت امام زمان (عج) در حقیقت همان ولایت فقیه است.....» (عباس‌زاده، ۱۹۹۴: ۴۶-۴۵). راهکار شهیدمدنی

برای تقویت نظام اسلامی، تبعیت از فرامین ولی فقیه است. ایشان تأکید می‌کردند که حمایت از رهبر دینی، بسترهای نظامی مستحکم را در برابر دشمنان به وجود می‌آورد و تهدیداتی همچون تفرقه و شکاف‌های سیاسی در آن جایگاهی ندارد (قربی، ۱۳۹۹: ۲۷). با این اوصاف می‌توان گفت که شخصیت شهیدمدنی با نظریه شخصی ویر در کسب قدرت هم‌خوانی ندارد و وی از اوایل جوانی تا شهادت در راستای تشکل حکومت اسلامی زیر نظر ولی فقیه گام برمی‌داشت.

در واقع گفتمان غالب رهبران کاریزمایی منبعث از مدرنیته، دین‌ستیزی، دین‌گریزی و اعتقاد به انحصار کارکرد دین به محدوده امور شخصی است، در صورتی که اعتقادات و نوع رفتار شهیدمدنی کاملاً مخالف این مورد می‌باشد. بهاء‌الدینی در خاطراتش می‌نویسد که ما نظاره‌گر حالات نورانی و صفای عمیق ایشان در مناجات‌های نیمه‌شب بودیم (سلطانی‌زاده، ۲۰۱۳: ۴۳). آیت‌اله مشکینی در مورد ایشان چنین می‌فرماید: «یادم نمی‌آید که ساعتی را با او بوده باشم و او مرا به یاد آخرت نینداخته باشد، هر وقت صحبتی از آخرت و فرامین خدا می‌شد، اشک از چشمانش سرازیر می‌شد (اردشیری، ۱۹۹۱: ۳۱-۳۰). هم‌چنین یکی از نزدیکان ایشان روایت می‌کند که یک روز مانده به شهادت آقا، من به خانه ایشان تلفن زدم و از برادر بزرگترم خواستم تا آیت‌الله مدنی فردا جلیقه ضدگلوله بپوشند که ایشان در جواب گفتند که اگر زحمتی نیست برای هر کدام از مردمی که نماز جمعه می‌آیند، جلیقه ضدگلوله تهیه کنید. من هم آخر از همه جلیقه را می‌پوشم، مگر خون من از سایر رنگین‌تر می‌باشد (همان: ۴۶).

شخصیت مذهبی شهیدمدنی تأثیری عمیق بر مردم برجای گذارد. وی معتقد بود که اگر تدریجاً احکام اسلامی پیاده شود، اسلام در تمامی عالم گسترش خواهد یافت (گلزاده، ۲۰۰۳: ۲۸۶). ایشان علوم مقدماتی دین را نزد استادانی چون میرزا محمدحسن منطقی و میرزامحسن میرغفاری گذراند (اردشیری، ۱۹۹۱: ۳۱-۳۰؛ فلاح توتکار، ۲۰۱۷: ۶۴). هم‌چنین در قم به مدت چهارسال در محضر امام خمینی (ره) حاضر بود (بسطامی، ۲۰۱۰: ۷). امام خمینی (ره) پس از شهادت ایشان در خصوص شخصیت مذهبی وی فرمودند: «این چهره نورانی اسلامی عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند و از چهره‌های کم‌نظیری بود که به حد وافر از علم و عمل و تقوا و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار بود. به شهادت رساندن چنین شخصیتی به تمام معنا اسلامی، همراه با تنی چند از فرزندان اسلام و یاران با وفای انقلاب اسلامی در میعادگاه نماز جمعه و در حضور جماعت مسلمین جز عناد با اسلام و کمر بستن به محو آثار شریعت و تعطیل جمعه و جماعت مسلمین توجیهی ندارد» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۲۶-۲۲۵).

بر طبق نظریه و بر رابطه‌ای عاطفی یا غیرعقلانی میان رهبر و پیروان وی وجود دارد. در بررسی زندگی شهیدمدنی این مورد قابل مشاهده است. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «شما به گمان خود اگر اینان را به جرم وفاداری به اسلام و طرفداری از محرومان و مظلومان مستحق قتل می‌دانید، اطفال معصومی که در گهواره جای دارند و زبان باز نکرده‌اند چه گناهی دارند؛ جز آن که اطفال مسلمانانی هستند که مخالف سلطه امریکا

به جان و مالشان می‌باشند (همان: ۴۱۸-۴۱۷). عکس‌هایی که از شهیدمدنی برجای مانده نشان می‌دهد که تا چه میزان رابطه نزدیک و عاطفی و البته عقلانی<sup>۱</sup> با نزدیکان، مردم و پیروان خود داشته است. وبر معتقد است، شخصیت کاریزما در جامعه خویش موجب تغییرات گسترده اجتماعی و فکری می‌شود که این مورد با فعالیت‌ها و اقدامات شهیدمدنی هم‌خوانی دارد. اقدامات ایشان در دو وجه فرهنگی و آبادانی قرار می‌گیرد. در بخش فرهنگی، آیت‌الله مدنی حرکت تبلیغی خود را از روستای دره مرادیبک شروع کرد و دستوراتی را برای اصلاح مردم آنجا صادر کرد که دره مرادیبک، به یک ده نمونه معروف شد. سپس با استقرار ایشان در شهر همدان، وی فعالیت‌های خود را گسترش زیادی داد (بسطامی، ۲۰۱۰: ۷). شهیدمدنی مبارزه با رژیم پهلوی را وسیله‌ای برای رسیدن به رضای حق و قرب الهی می‌دانست (سلطانی‌زاده، ۲۰۱۳: ۳۴). از جمله اقدامات فرهنگی ایشان مبارزه علیه ربا، بانکداری ربوی و... برای اصلاح جامعه ایرانی بود. شهیدمدنی با اصلاحگری در حوزه رفتار و عقیده مردم، علاوه بر ترمیم و بازسازی نهادهای اجتماعی، سعی می‌نمود تا با سخنرانی‌ها و منابع گسترده، سطح فکر و عقیده مردم را نسبت به زندگی تغییر دهد (قربی، ۲۰۱۹: ۳۰). تعبیر حضرت امام‌خمينی(ره) از شهیدمدنی به‌عنوان معلم اخلاق خود‌گویای تأثیر عمیق ایشان می‌باشد. امام می‌فرماید: «سید بزرگوار، عالم عالی‌قدر و معلم اخلاق و معنویات، حجت‌الاسلام و المسلمین سید اسدالله مدنی (سلطانی‌زاده، ۲۰۱۳: ۳۳). بر این اساس کاملاً مشخص می‌شود که شهیدمدنی از اول در فعالیت‌های خویش، مبانی فکری و اصلاح آن را در جامعه، مدنظر خویش داشت و برای جامعه آرمانی مورد نظر تلاش زیادی می‌کرد.

در بخش اجتماعی نیز شهیدمدنی را باید یک اصلاحگر اجتماعی دانست که تمام همت خویش را در راه رفع موانع اجتماعی - سیاسی پیش‌روی توسعه محلی ایران به کار بست. ایشان در هر منطقه‌ای که وارد می‌شدند با کمک و همیاری مردم کمبودهای اجتماعی، احتیاجات، آسیب‌ها و... را در حد توان خویش برطرف می‌کردند (قربی، ۲۰۲۰: ۳۱). از دیدگاه شهیدمدنی، رسالت انقلاب اسلامی تنظیم مقرراتی بود که تأمین نیازهای جامعه در دنیا و آخرت هدف آن باشد. در واقع اگر حکومت مسائل مادی و معنوی را برطرف نماید، یک نظام اقتصادی و اجتماعی پویا به‌وجود می‌آید (همان: ۶۱).

شهیدمدنی خطاب به مسئولین می‌گفت: «باید به وظایف اسلامی خود عمل نمایند و با این همه تشریفات، مردم را معطل نمایند و ما را مجبور نکنند که دست به اقدام جهاد بزنیم. افتخار ادارات به این است که به

۱. عقل در لغت به معنای امساک و نگاهداری، بند کردن، باز ایستادن و منع چیزی است. در باره‌ی معنای لغوی عقل گفته شده است که عقل از «عقال» گرفته شده است؛ و «عقال» به معنای طنابی است که به وسیله‌ی آن زانوی شتر سرکش را می‌بندند و به این دلیل به عقل، عقل می‌گویند که این نیروی باطنی، شهوات و هواها و خواسته‌های شیطانی درون انسان را به بند می‌کشد. هم‌چنین واژه‌ی عقل و مشتقات آن در لغت به معنای فهمیدن، دریافت کردن است در قرآن کریم نیز به معنای فهم و ادراک آمده است. در روایات به معنای گوناگونی استعمال شده است که یکی از معانی آن، قوه‌ی تشخیص و ادراک و وادار کننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده‌ی وی از شر و فساد است. معین، محمد، فرهنگ معین، (یک جلدی)، واژه عقل. - سجادی، سید جعفر، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، ماده ی عقل - کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱.



خلق خدمت کنند (سخنرانی شهیدمدنی در خطبه آخرین نماز جمعه در ۲۰ شهریور ۱۳۶۰). امام در این خصوص می‌فرماید که شهدایی مثل شهیدمدنی و شهیددستغیب جزء تربیت محرومان و هدایت مردم گناهی نداشتند (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۱۸).

هم‌چنین انتخاب آیت‌الله مدنی به‌عنوان نفر اول در انتخابات مجلس خبرگان از سوی مردم همدان (یاری، ۲۰۱۱: ۳۸)، با دیدگاه وبر مبنی بر احساس وفاداری پیروان نسبت به شخص مورد علاقه خویش که از فشار روحی و شوق و شور آنها برمی‌خیزد، هم‌خوانی دارد.

در جایی دیگر وبر بیان می‌کند که این افراد با نقشی که برعهده دارند، یکی از عوامل ماندگاری رژیم‌ها هستند. شهیدمدنی پس از انقلاب تمام تلاش خود را برای حفظ و گسترش انقلاب اسلامی انجام داد. آیت‌الله مدنی به مسئله وحدت جامعه و امت اهتمام جدی داشت و حساسیت این موضوع را مخصوصاً در آن شرایط به خوبی حس می‌کرد. او اعتقاد داشت: «آنچه دشمن از آن واهمه دارد، اتحاد و همبستگی است» و از این رو «مسلمانان باید اختلاف‌های خود را از بین ببرند» آیت‌الله مدنی در اعلامیه‌ای در ۱۸ اسفند ۱۳۵۸ خویش، بر حفظ وحدت به‌عنوان یکی از لوازم مانایی نظام اسلامی تأکید ورزید (قیصری، ۲۰۱۱: ۱۳۹). از این رو، راهبرد ایشان در برابر دشمنان داخلی و خارجی، حضور در صحنه و حفظ آنچه که باعث «وحدت عمومی و فراگیر است، در برخی از بیانات ایشان آمده است. همان وحدتی که امام در اکثر موارد آن را عامل پیروزی بر طاغوت می‌دانست (مجموعه نویسندگان، ۲۰۰۲: ۱۱۸-۱۱۷).

با توجه به ارزش و اهمیت الگوی اسلامی در مواجهه با مشکلات سیاسی، آیت‌الله مدنی توصیه می‌کرد که در زمینه عملکرد نظام اسلامی نسبت به دوستان و دشمنان داخلی و خارجی از نحوه مدیریت و رفتار صدر اسلام بهره گرفته شود (قریبی، ۲۰۲۰: ۳۵). در کل راهکارهای شهیدمدنی برای حفظ نظامی اسلامی را می‌توان در چند مورد: ۱. حاکمیت دینی و لزوم تبعیت از رهبر دینی؛ ۲. مقابله با منافقان؛ ۳. بهره‌گیری از الگوی صدر اسلام در مقابله با مشکلات چندوجهی؛ ۴. دوری از ملی‌گرایی؛ ۵. اخوت و برادری؛ ۶. جهاد و دفاع؛ ۷. قانون‌گرایی و ۸. استقلال سیاسی خلاصه کرد (همان: ۴۸-۲۹).

اما آخرین پرده زندگی شهیدمدنی - به شهادت رسیدن ایشان - برخلاف نظر وبر، نه تنها باعث تضعیف انقلاب نگردید، بلکه به تثبیت هر چه بیشتر آن کمک فراوانی نمود. وبر بر این عقیده بود که عدم وجود رهبر به هر دلیلی می‌تواند منجر به انحلال قدرت مقامات شود. اما حضور شهیدمدنی در شهرهای همدان و سپس تبریز برای اصلاح امور این مناطق به دستور امام خمینی (ره) (قیصری، ۲۰۰۶: ۱۴۹-۱۴۸)، و در پایان، شهادت وی در تبریز، اوضاع آشفته این شهر را به سوی آرامش کشاند و سبب روشن شدن حق و باطل و خوابیدن فتنه گردید.

### ویژگی‌های اقتدار کاربزمائی در شخصیت شهید سلیمانی

بررسی ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی در یک پژوهش نشان می‌دهد که در دو محور فردی و اجتماعی به ترتیب شامل: ۱. فردی: خدامحوری، اخلاق‌مداری، شجاعت، ولایت‌مداری، شهادت‌طلبی، فروتنی، ساده

زیستی و اعتماد به نفس بالا و ۲. حوزه اجتماعی: فرامرزی بودن، روحیه همدلی داشتن، مردمی بودن و فارغ از جناح سیاسی، شوخ‌طبعی، قابل قبول بودن در میان جمع، مهارت مذاکره و دستگیری از نیازمندان بوده است (رفیعی طاری و دیگران، ۲۰۲۰: ۱۲۹).

شهید سلیمانی شخصیتی دین‌باور و عامل به دستورات شرعی و دینی بود. لذا تبیین شخصیت سردار شهید سلیمانی از زاویه کاریزمای ارزش‌مدار، می‌تواند معرف الگوی جدیدی از کنش قدسی در مقابل کنش سکولار در عصر جدید باشد. پیامبران الهی و معصومین، رهبران کاریزمای ارزشمندی هستند که اطاعت از آنان ناشی از تکلیف، حب قلبی و مستند به امری دینی است. بنابراین در اندیشه شیعی، یک نظام کاریزمایی ارزش‌مدار وجود دارد که مستمر و مستقر بوده است. ویژگی‌های شهید سلیمانی به مانند قدرت تصمیم‌گیری، شجاعت و جسارت هم در سخنان و هم در عملکردشان در دوران فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله و فرماندهی نیروی قدس سپاه نمود پیدا کرده است. اما نمی‌توان در تفسیر شیوه فرماندهی سردار سلیمانی و پذیرش رهبری کاریزماتیک وی تنها به نظریه رهبری کاریزماتیک ویر اکتفا کرد، چرا که رابطه سردار سلیمانی و یاران وی در محور مقاومت را نباید تنها حول ویژگی‌های شخصیتی و رابطه عاطفی تفسیر کرد. منبع تولید این قدرت فردی، تنها ویژگی‌های شخصیتی نیست، بلکه ایدئولوژی، آرمان‌ها، نیازها و اهداف مشترک است که این پیوند را برقرار می‌کند. در واقع شخصیت کاریزمای سردار سلیمانی، در قالب یک نظام کاریزمایی ریشه‌دار در اندیشه شیعه، معنا پیدا می‌کند. می‌توان گفت سردار سلیمانی مشروعیت، مقبولیت و محبوبیت کاریزماتیک خود را در میان پیروانش از پذیرش سیادت کاریزمایی امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای کسب کرده است (اژدری، ۲۰۲۰). در حالی که گفتمان غالب رهبران کاریزمایی منبعث از مدرنیته، دین‌ستیزی، دین‌گریزی و در شکل حاد آن اعتقاد به انحصار کارکرد دین به محدوده امور شخصی است که با شخصیت شهید سلیمانی قابل تطبیق نیست.

طبق نظر ویر، اقتدار کاریزما شدیداً شخصی است. اما حاج قاسم سلیمانی یک نظامی بود و تا آخر عمر هم نظامی باقی ماند. وی به امر امام (ره) در مورد عدم ورود نظامیان به کارهای سیاسی، حزبی و جناح‌بندی‌های سیاسی به شدت معتقد و پایبند بود. شاخصه بزرگ شهید سلیمانی ولایت‌مداری او بود. وی معتقد بود: «امام دو ثقلین ارزشمند را برای ما به یادگار گذاشت؛ یکی نظام جمهوری اسلامی و دیگری ولایت فقیه. این دو لازم و ملزوم هستند. مثل خیمه و تیرک وسط خیمه است. خیمه بدون تیرک پابرجا نمی‌ماند» (مهروان‌فر، ۲۰۱۸: ۲۷). ایشان پیروی از رهبری را امری صرفاً سیاسی نمی‌داند، بلکه امری اعتقادی و کلامی می‌داند که با سلسله ائمه هدی (ع) و نبی مکرم اسلام به ولایت‌الهی وصل می‌شود (همان: ۲۵). وی با اعتقاد به اصل ولایت است که خود را متصل، مطیع و مدافع ولی فقیه می‌داند و می‌گوید: «اگر تمام علمای جهان اسلام یک طرف باشند و مقام معظم رهبری یک طرف، مطمئناً من طرف آیت‌الله خامنه‌ای می‌روم» (همان: ۳۱). بنابراین تفاوت شهید قاسم سلیمانی با رهبران کاریزمای ویر در این است که اینان اصولاً برای اطاعت از ولایت معنوی ولی حق و متصل به خیر، نفسانیت را کشته‌اند، لذا خود محور نیستند، بلکه ولایت محورند.

بر خلاف نظر وبر که کاریزما را منبعث از قدرت‌های خارق‌العاده و مذهبی می‌داند؛ سپهبد سلیمانی با ایمانی قوی در تمامی جبهه‌های نبرد به دنبال شهادت بود. عموم رهبران کاریزما در دوران معاصر بر مبنای اندیشه مدرنیته و ضدیت با دین و ارزش‌های دینی عمل کرده‌اند. در عمل هیچ‌کدام از شخصیت‌های کاریزمایی مثل هیتلر، موسولینی، چرچیل یا استالین آرمان دینی نداشتند و تلاشی برای حاکمیت ارزش‌های دینی نکردند. حتی افراد فاشیستی مثل هیتلر و موسولینی و کمونیستی مثل استالین عملاً درصدد مبارزه با ادیان اقدام کرده‌اند (اژدری، ۲۰۲۰). در حالی که شهید سلیمانی یک دین‌مدار به تمام معنا بود و لذا نظراتش عمیقاً مورد توجه پیروانش قرار می‌گرفت و از نظر مالی پاک بود و همین امر باعث شد که ژنرال‌های امریکا درباره شهید سلیمانی چنین گویند: ما نمی‌توانیم بفهمیم چگونه یک نظامی شما مثل سلیمانی می‌تواند بدون تحصیلات تخصصی نظامی، مبتکر استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نظامی باشد که برجسته‌ترین ژنرال‌های نظامی آمریکا را هم گیج کند (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳ دی ۲۰۲۰، ۸:۳۴، کد خبرنگار: ۲۵۲۷، کد خبر: ۸۴۱۶۹۸۸۳)

روحیه سلحشوری و جنگندگی او در جنگ‌ها، منبعث از قدرت‌های خارق‌العاده و مذهبی بود. شهید سلیمانی عاری از هرگونه ترسی در مواجهه با دشمن در معرکه‌ها و میادین نبرد بود. نتیجه چنین حضوری افزایش انگیزه، توان و تحرک نیروی رزم در زمان جنگ بود. فرماندهی و رشادت بی‌نظیر او موجب گردید که پس از دریافت چند نشان فتح، برای اولین بار نشان ذوالفقار را که بالاترین نشان نظامی کشور است، از سوی فرماندهی معظم کل قوا دریافت نماید (مشرق، حاج قاسم را با این ۲۵ ویژگی بشناسید، کد خبر ۱۰۳۹۸۳۹ تاریخ انتشار: ۲۰ بهمن ۱۳۹۸ - ۵۵:۱۹).

شهید سلیمانی فرمانده‌ای نبود که خود را در اتاق فرماندهی محصور کند. در میدان‌های جنگ در کنار سربازانش و به مانند یک سرباز معمولی لباس می‌پوشید و می‌جنگید. این ویژگی سردار شهید به دوران دفاع مقدس محدود نبود، در دوران مبارزه با داعش در سوریه و عراق و در دوران جنگ اسرائیل علیه لبنان و جنگ ۳۳ روزه هم به مانند یک سرباز جنگید و به همین دلیل هم می‌خواست روی سنگ قبرش عنوان «سرباز» و نه سردار را بنویسند. نگاهش فراملی بود و دنبال مصالح و منافع مسلمانان و شیعیان در کل منطقه و جهان بود. لذا نهضت مقاومت در منطقه را روح و جان و سامان داد (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳ دی ۲۰۲۰، ۸:۳۴، کد خبرنگار: ۲۵۲۷، کد خبر: ۸۴۱۶۹۸۸۳). این مسئله با نظر وبر که رابطه‌ای عاطفی یا غیرعقلایی میان پیرو و رهبر را بیان می‌کند، قابل تطبیق می‌باشد.

در واقع می‌توان گفت که طی دوران هشت ساله دفاع مقدس، روحیه مقاومت، جهاد و شهادت‌طلبی در جامعه رسوخ یافت و در نتیجه استعدادهای شگرفی از قوه به فعل درآمدند و افسران رشیدی قد برافراشتند و افتخارات بزرگی برای این سرزمین کسب کردند. در این دوران سربازان دلیری از ارتش و سپاه رشد نمودند و تبدیل به فرماندهان برجسته‌ای شدند که قاسم سلیمانی از آن جمله بود که در نهایت با رشادت و مجاهدت در جبهه‌های داخلی و منطقه‌ای و مبارزه با داعش، به یک مکتب تبدیل شد. این مورد با نظر وبر که احتمال افزایش ظهور آن را در زمان بحران اجتماعی زیاد می‌داند، قابل تطبیق می‌باشد.

اما برخلاف نظر وبر، عقیده‌ای منسوخ یا عرضه آرمانی نو در زمان «خلاء معنایی» توسط شهید سلیمانی صورت نگرفت. عقیده‌ای که حاج قاسم سلیمانی به دنبال آن بود؛ یک عقیده منسوخ به شمار نمی‌رفت. سردار سلیمانی یک انقلابی عملگرا و واقع‌گرا بود. روزی که در دوران حمله آمریکا به افغانستان، منافع کشور را در مبارزه علیه طالبان دید، تردید نکرد و مردانه مبارزه کرد، نقش کلیدی در شکست طالبان و پیروزی جبهه شمال ایفا کرد و از تهمت همکاری با آمریکا هم، ترسی به خود راه نداد. زمانی که منافع کشور را در مقابله با داعش در سوریه و عراق دید، نقش کلیدی در بیرون‌راندن داعش از عراق و سوریه ایفا کرد. با حدود ۴۰ سال در لباس پاسداری، بزرگ‌ترین میراثش «الگوی یک پاسدار واقعی انقلاب» بود (همان).

در کنار موارد بالا از دیگر ویژگی‌های شخصیت کاریزما در جامعه، باید به تغییرات اجتماعی و فکری از سوی آنها اشاره کرد. شهید سلیمانی نیز عامل تغییرات اجتماعی زیادی در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی گردید. در ایجاد تحولات ملی، خدمت در جنگ ۸ ساله و سپس مبارزه در جبهه جنوب شرقی و در نهایت مبارزه با داعش که شاید بزرگترین خدمت حاج قاسم نه تنها به مردم منطقه، بلکه به مردم بسیاری از مناطق جهان بود.

علاوه بر تغییرات گفته شده، در نظریه کاریزما و بر احساس وفاداری پیروان از فشار روحی و شوق و شور آنها نشأت می‌گیرد و این امر با ویژگی‌های حاج قاسم و سربازان و پیروان او صدق می‌کند. شهید سلیمانی با فروتنی تمام با مردم رفتار می‌کرد و به آنها یاری می‌رساند. تصور مردم از سلیمانی یک فرمانده ارشد جنگی و چهره نظامی بود، اما او با یک چهره فوق‌العاده مهربان و مردمی بین سیل‌زدگان سال ۱۳۹۸ حضور یافت. حاج قاسم با رفتار و منش خود در دوران سیل، کاری کرد که بعد از شهادتش، اقشار متفاوت و انبوهی در تشییع جنازه او در ایران و عراق شرکت کردند. رابطه شهید سلیمانی با خانواده شهدا فوق‌العاده مهربان بود و به خانواده شهدا ارادت داشت و فرزندان شهدا نیز وی را چون پدر یا برادر خود می‌دانستند و به ایشان ارادت داشتند. حتی ژنرال‌های آمریکا، احترام خاصی برای ژنرال سلیمانی شما قائل بودند. آنها با وجودی که وی را دشمن تلقی می‌کردند، اما ویژگی‌های نظامی او در استراتژیک و تاکتیک‌های مختلف، باعث احترام زیادی برای او شده بود. او دشمن اول آمریکا در منطقه خاورمیانه بود، اما در نیروهای مسلح آمریکا، بسیاری برای او به‌عنوان یک نظامی خارق‌العاده و حرفه‌ای احترام قائل بودند (روزنامه همشهری ۱۳ دی ۲۰۲۰، ۸:۳۴، کد خبرنگار: ۲۵۲۷، کد خبر: ۸۴۱۶۹۸۸۳).

اما برخلاف نظر وبر که شخص کاریزما را عامل ماندگاری رژیم‌ها می‌داند، با شهادت حاج قاسم نه تنها انقلاب اسلامی از بین نرفت، بلکه وحدت ملی و حتی منطقه‌ای بیشتری صورت گرفت. افزایش وحدت میان امت اسلامی و به‌ویژه تعامل گسترده ایران و عراق با توجه به حساسیت‌های حاکم بر منطقه از مهم‌ترین خواسته‌های حاج قاسم سلیمانی بود که ایشان در زمان حیات خود در این جهت به شدت اقدام می‌کرد. لذا شهادت سردار سلیمانی به برآورده شدن آرزوی ایشان در خصوص افزایش وحدت مسلمانان در جهت مواجهه با استکبار جهانی منجر شد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ دی ۲۰۱۹، ۱۱:۱۴، کد خبرنگار: ۲۵۲۰، کد خبر: ۸۳۶۳۰۲۴۸). وبر معتقد بود که کاریزماتیک غالباً در کشورهای مختلف اقتدارگرا، خودکامه،

دیکتاتوری و تئوکراسی یافت می‌شود، اما شهید سلیمانی نه تنها در کشور خود کامه و دیکتاتوری نبود، بلکه در نظام جمهوری اسلامی و تحت امر ولایت فقیه رشد یافت و به مکتب تبدیل شد. هم چنین برخلاف نظر وبر که عدم وجود رهبر کاریزما را به هر دلیلی عاملی برای انحلال قدرت مقامات می‌داند؛ شهادت قاسم سلیمانی و نقش کلیدی ایشان، باعث شد که برخی به اغراق بگویند که او یک شخصیت بدون جایگزین است. اما جانشین وی، یعنی سرتیپ اسماعیل قاننی قطعاً می‌تواند مهارت‌ها و استعداد های زیادی را به این پست «فرماندهی نیروی قدس سپاه» بیفزاید. او شبکه‌ها و نهادهایی را به ارث خواهد برد که صرفاً به کسی که به تشکیل آنها کمک کرده «سردار سلیمانی» متکی نیستند. ایران از همان نخستین روزهای انقلاب خود همواره فرماندهانی را در میدان نبرد از دست داده است. سپاه پاسداران در طول سال‌های فعالیت خود تعداد بسیار زیادی افسر با تجربه در اختیار داشته است که البته ژنرال سلیمانی نیز یکی از ماهرترین آنها بوده است. اما یکی از ویژگی‌های مهم رهبران و فرماندهان بزرگ این است که نهادسازی می‌کنند و الهام‌بخش دیگران هستند (همان).

جدول ۱: جدول مقایسه

ردیف	ویژگی‌های اقتدار کاریزما	ویژگی‌های شهیدمدنی	ویژگی‌های شهید سلیمانی	نتایج
۱	شدیداً شخصی	ولایت‌پذیری و اطاعت از ولی امر، حمایت از مرجعیت امام خمینی (ره)	ولایت‌پذیری	هر دو ولایت‌پذیر
۲	منبعث از قدرت‌های خارق‌العاده	شهادت‌طلبی و داشتن اندیشه‌های اسلامی	شهادت‌طلب و دین‌باور	هر دو شهادت‌طلب
۳	ممکن است مذهبی یا غیرمذهبی	شخصیتی کاملاً مذهبی، تحصیل علوم دینی نزد اساتید برتر حوزه علمیه، تلاش برای اجرای احکام اسلامی در جامعه، تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده	شخصیتی دین‌باور و عامل به دستورات شرعی و دینی	هر دو به شدت معتقد به باورهای مذهبی
۴	رابطه‌ای عاطفی یا غیرعقلانی میان پیرو و رهبر	طرفداری از محرومان و مظلومان مستحق	مردمی بود و فرماندهی که چون سربازان زیست	هر دو مردمی و طرفدار مظلوم
۵	احیای عقیده‌ای منسوخ یا عرضه آرمانی نو در زمان «خلاء معنایی»	تلاش برای ایجاد زمینه ولایت‌پذیری جامعه	یک انقلابی عملگرا و واقع‌گرا	هر دو شخصیت انقلابی

هر دو شهید بزرگوار در زمان بحران انقلاب و جنگ تحمیلی ظهور و بروز یافتند	جنگ تحمیلی و ظهور داعش به عنوان بحران عامل ظهور و بروز و تبدیل شدن قاسم سلیمانی به مکتب سلیمانی شد.	در دوره پهلوی و هم زمان با مخالفت‌های امام با شاه، مدنی نیز در همدان و روستاهای اطراف آن به مبارزه پرداخت.	احتمال افزایش ظهور آن در زمان بحران اجتماعی	۶
هر دو شهید باعث تغییرات اجتماعی و فکری شدند	تغییرات اجتماعی در سطح ملی، منطقه و بین‌المللی	اصلاحات اجتماعی در روستاها و شهر، تلاش برای توسعه محلی، مقابله با فرهنگ‌های غلط، ترغیب ادارات به خدمت به مردم، تربیت محرومان و هدایت مردم	عموماً موجب تغییرات اجتماعی و فکری می‌گردد	۷
هر دو شهید جایگاه غیرقابل وصفی در میان طرفداران و پیروان و اطرافیان خود داشتند	قاسم سلیمانی با وجودی که یکی از بزرگ‌ترین فرماندهان نظامی بود اما رابطه خوبی با مردم و سربازان و... داشت که حتی دشمنان را به تحسین و امیدداشت	علاقه مردم روستاها و شهر همدان به شهیدمدنی به خاطر اصلاحات اجتماعی و کمک مردم از سوی ایشان، نفر اول مجلس خبرگان از سوی مردم همدان	احساس وفاداری پیروان از فشار روحی و شوق و شور آنها برمی‌خیزد.	۸
وجود هر دو شهید سبب بقای نظام بود، ولی نبودشان عامل انحلال جمهوری اسلامی نبود.	با شهادت حاج قاسم نه تنها انقلاب اسلامی از بین نرفت و بازوی آن قطع نشد؛ بلکه درخت آن سیراب گردید و وحدت ملی و منطقه شکل گرفت.	حمایت از رهبری دینی، جهاد و دفاع، قانون‌گرایی و استقلال سیاسی در اوایل انقلاب که یکی از عوامل اثبات انقلاب بود و سپس شهادت ایشان که باعث وحدت بیشتر میان مردم شد.	عامل ماندگاری رژیم‌ها هستند.	۹
هر دو شهید در دوره جمهوری اسلامی تبدیل به یک مکتب شدند.	شهید سلیمانی نه تنها در کشور خودکامه و دیکتاتوری نبود، بلکه در نظام جمهوری اسلامی و تحت امر ولایت فقیه رشد یافت و به مکتب تبدیل شد.	شهیدمدنی در دوره پهلوی برضد نظریات غرب‌گرایانه در جامعه بود و پس از انقلاب تحت امر ولی‌امر بود.	کاریماتیک غالباً در کشورهای مختلف اقتدارگرا، خودکامه، دیکتاتوری و تئوکراسی یافت می‌شود.	۱۰
عدم وجود هر دو شهید منجر	با شهادت حاج قاسم سلیمانی نه تنها قدرت	با شهادت ایشان، نه تنها پایه‌های انقلاب اسلامی در	عدم وجود آن رهبر، به هر دلیلی می‌تواند منجر	۱۱

به انحلال قدرت مقامات نشد و انقلاب راه خود را ادامه خواهد داد.	جمهوری اسلامی ایران انحلال نیافت بلکه با نمایش قدرت و زدن پایگاه عین‌الاسد و جانشینی اسماعیل قآنی که معاون شهید سلیمانی بوده است، قطعاً می‌تواند مهارت‌ها و استعدادهای زیادی را به این پست [فرماندهی نیروی قدس سپاه] بیفزاید.	شهر تبریز و منطقه غرب ایران تضعیف نشد، بلکه باعث انسجام بیشتری میان مردم کشور در حفظ انقلاب گردید.	به انحلال قدرت مقامات شود.
--	--	--	-------------------------------

### نتیجه‌گیری

تطبیق نظریه کاریزما وبر با شخصیت‌های انقلاب اسلامی - شهید آیت‌الله مدنی و شهید قاسم سلیمانی - دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است. شباهت‌ها در این بود که شهید مدنی و شهید سلیمانی، نه تنها منبعث از قدرت‌های خارق‌العاده بودند، بلکه به شدت مذهبی و رابطه‌ای عاطفی با پیروان داشتند. اما هرگز این رابطه غیرعقلانی نبود و براساس عقل به معنای امساک و نگاهداری، بندکردن، بنیاد نهاده شده بود. عقلی که شهوات و خواسته‌های شیطانی درون انسان را به بند می‌کشد و قوه تشخیص و ادراک و وادار کننده انسان به نیکی و صلاح و بازدارنده وی از شر و فساد دارد و این امر بین این دو شهید بزرگوار و پیروان و طرفداران و سربازانشان نمود داشت. هر دو شهید در زمان بحران اجتماعی انقلاب و جنگ حضور یافتند. هر چند شهید مدنی در همان سال‌های ابتدایی انقلاب و شهید سلیمانی پس از حدود چهل سال به شهادت رسید. همچنین زندگی و زیست هر دو شهید باعث تغییرات اجتماعی و فکری گردید و این امر در حیات شهید سلیمانی نمود بیشتری داشت. چرا که مدت بیشتری از عمر بابرکت خویش را صرف خدمت به انقلاب، اسلام و کشورهای منطقه کرد که مهم‌ترین آن مبارزه با پدیده شوم داعش بود. در نتیجه احساس وفاداری پیروان، طرفداران، سربازان و اطرافیان آنان از شوق و شور بود که به این دو شهید عزیز داشتند و حتی شهادت این دو عزیز سبب آشکار شدن حق و باطل در دو زمان و مکان متفاوت گردید. شهادت شهید مدنی در تبریز باعث آشکار شدن فتنه آشوب‌گران و ایجاد همبستگی بیشتر میان مردم ایران شد و شهادت حاج قاسم باعث آرام شدن فضای ملتهب عراق و آشکار شدن اهداف دشمنان ایشان گردید.

اما تفاوت‌های این نظریه با شخصیت شهید مدنی و شهید سلیمانی این که هر دو شهید به معنای واقعی کلمه ولایی بودند و تابع نظر امام خویش. یکی در زمان امام خمینی (ره) و دیگری در زمان آیت‌الله خامنه‌ای. هیچ کدام از این بزرگواران نمی‌خواستند عقیده‌ای منسوخ را احیا کنند. حتی اگر اسلام را عقیده منسوخ بدانیم با تعبیر وبر، همان‌طور که قبلاً عرض شد آنها فقط تابع ولایت فقیه بودند. همچنین درست است که شهادت این دو شخص، ضربه‌ای به انقلاب اسلامی وارد ساخت؛ اما عامل ماندگاری رژیم نبودند و بلکه شهادتشان

باعث مانایی انقلاب و نظام شد. همچنین برخلاف نظر وبر که کاریزماتیک غالباً در کشورهای مختلف اقتدارگرا، خودکامه، دیکتاتوری و تئوکراسی یافت می‌شود، این دو شهید عزیز محصول مکتب شیعه و ثمره انقلاب به‌شمار می‌روند. در نهایت برخلاف نظر وبر که عدم وجود آن رهبر به هر دلیلی می‌تواند منجر به انحلال قدرت مقامات شود، این‌گونه نشد و نظام با قدرت بیشتر به بقای خود ادامه داد.

## References

- Abbaszadeh, Saeed (Bi Ta), Meeting with Abrar: Shahid Madani Jelveh Ikhlas, Bi Ja, Noor Al-Sajjad. (In Persian)
- Ardashiri, Hassan (1991), Red Return: A Look at the Life and Life of Ayatollah Shahid Madani. Monthly of Preachers, No. 70, September and October. (In Persian)
- Bashirieh, Hossein (2011), Revolution and Political Basij, Tehran, University of Tehran Press, Eighth Edition. (In Persian)
- Bastami, Reza (2010), Martyr Ayatollah Seyyed Assadollah Madani (the second martyr of the altar), Tehran, Islamic Revolutionary Documentation Center. (In Persian)
- Cheryl Benard and Zalmai Khalilzad, Secularism, Industrialization and the Islamic Republic, Matin Magazine, Vol. 2.
- Collection of Authors (2002), Jelveh Maaref, Tehran, Ayatollah Madani Martyr Altar Cultural Foundation. (In Persian)
- Falah, totkar (2017), A Study of the Role of Hamedan Clerics in the Victory of the Islamic Revolution in Iran. Master Thesis. History group. Faculty of Literature and Humanities. Qazvin International University. (In Persian)
- Genii and C. Wright - Mills, op. cit.
- Ghorbi, Mohammad Javad (2019), Institutional Martyr: A Review of the Performance of the Altar Martyr Seyyed Assadollah Madani in Establishing Public Benefit Institutions, Hamedan, Climate of Knowledge. (In Persian)
- Ghorbi, Mohammad Javad (2020), Bonyan Marsous, The strength of the internal structure of the Islamic system from the perspective of the martyr of the altar of Ayatollah Madani, Bija, Climate of Knowledge. (In Persian)
- Golzadeh, Sadegh (2003), Martyr of Ethics and Virtue, Memoirs of the Conference on Ethics and Virtue on the Occasion of the Twenty-Second Year of the Martyrdom of the Altar of Ayatollah Madani, Qom: Book Garden. (In Persian)
- Hamshahri newspaper December 4, 2016, 8:34, Reporter code: 2527, News code: 84169883. (In Persian)
- International Encyclopedia of Economic Sociology By Jens Beckert, Milan Zafirovski, Published by Routledge, 2006, ISBN 0-415-28673-5, ISBN 978-0-415-28673-2, pag. 53.
- International Encyclopedia of Economic Sociology By Jens Beckert, Milan Zafirovski, Published by Routledge, 2006, ISBN 0-415-28673-5, ISBN 978-0-415-28673-2,



- Jomhuri Eslami Iran newspaper, "Holding the ceremony of the first anniversary of the martyrdom of Sardar Soleimani and her comrades", December 4, 2016, 8:34, Reporter code: 2527, News code: 84169883. (In Persian)
- Jomhuri Eslami newspaper, December 13, 2009, "Haj Qasem's ideology and knowledge classroom", 11: 14, correspondent code: 2520, news code: 83630248. (In Persian)
- koleyni (Bita), Sufficient Principles, translated by Seyyed Javad Mostafavi, Tehran, Islamic Theological Bookstore. (In Persian)
- M. Weber (1972), *Wirtschaft und Gcsellschaft*. Tubingen, p. 657, quoted in Tilly. op. cit. p. 38.
- Martyr Madani's speech in the sermon of the last Friday prayer on September 11, 1981.
- Mashreq newspaper, get to know Haj Qasem with these 25 features, news code 1039839 Published date: February 11, 2017 - 19:55. (In Persian)
- Mehravanfar, Abuzar (2018), Qasim's brother, Qom, published by Mehr Amir Al-Momenin (AS). (In Persian)
- Moin, Mohammad (Bita), Moin Culture, (one volume), the word intellect. Tehran, Tehran University Press. (In Persian)
- Mo'men, Abolfath (2007), Islamic Revolution in Hamedan, Tehran, Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)
- Parsania, Hamid (2004), Charismatic Leadership; Analysis of the Iranian Revolution with Weber's Theoretical Model. October Education Magazine, No.19.
- Paul (2014), "Becoming a God: Max Weber and the Social Construction of Charisma. *Journal of Classical Sociology* 14(3) 266–283. at: <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1468795X14536652>. Power, Domination, Legitimation, and Authority *Sociology* 250 Retrieved October 2006. Adair-Toteff, Christopher, *Max Weber's Charisma, Journal of Classical Sociology*, Vol. 5, No. 2, 189–204 (2005).
- Paul. 2014. "Becoming a God: Max Weber and the Social Construction of Charisma. *Journal of Classical Sociology* 14(3) 266–283. at: <http://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1468795X14536652>. Power, Domination, Legitimation, and Authority *Sociology* 250 Retrieved October 2006. Adair-Toteff, Christopher, *Max Weber's Charisma, Journal of Classical Sociology*, Vol. 5, No. 2, 189–204 (2005).
- Qaisari, Mohammad (2006), Shaghayegh in the Altar Life of the Second Martyr of the Altar of Ayatollah Madani, Tehran, Islamic Revolutionary Documentation Center. (In Persian)
- Rafiei Tari, Neda; Mahia Abdian (2020), Semiotics and Symbolism of Martyr Soleimani. *Journal of Religious Studies in Media*, Second Year, Nos. 5 and 6, Summer. (In Persian)
- Ruhollah Ajdari, Vatan-e-Amrooz newspaper, Commander of Rabbani Charisma.
- Sajjadi, Seyed Jafar (1982), Culture of Philosophical and Theological Sciences, Article of Reason, misplaced, Islamic Association of Wisdom and Philosophy of Iran.
- See R. Tucker (1968), "Theory of Charismatic Leadership", in *Daedalus*, vol. 97.
- Shiri, Tahmourth and Azimi, Neda, (2012), A comparative study of qualitative content analysis and hermeneutic method. *Sociological Studies*, Volume 4, Number 15, 99-79.

- 
- Soltanizadeh, Mohsen (2013), a comprehensive such as Civil Martyr, the first martyr of the altar, Hamedan, Nazli. (In Persian)
  - Statements in video communication with members of the Islamic Consultative Assembly 1400.
  - Weber, Max (2005), Economics and Society, translated by Abbas Manouchehri and Mehrdad Torabinejad and others, Tehran, Samat Publications.
  - Weber (1964), The Theory of Social and Economic Organization, edited by T. Parsons, New York, 358 - 9.
  - Weber (1964), The Theory of Social and Economic Organization, edited by T. Parsons, New York.
  - Weber (1972), Wirtschaft und Gcsellschaft. Tubingen. p. 657, quoted in Tilly. op. cit.
  - Yari, Nasser (2011), Honest Dream A Narrative of the Mystical Behavior of Martyr Ayatollah Seyyed Assadollah Madani, Tehran, Islamic Revolutionary Documentation Center. (In Persian)